

(توانا بود هر که دانا بود)

تحفہ سامی

تالیف سام میرزای صفوی

مشمول بر اسامی و آثار قریب ہفتصد شاعر از شعرائ نامدار و گمنام

باتصحیح و مقابلہ وحید دستگردی

ضمیمہ سال شانزدہم ارمغان

در اسپند ماہ سال — ۱۳۱۴ شمسی انجام یافت

طهران - مطبعہ - ارمغان

مقدمه

checked 1989.

تحفه سامی - تذکره ایست که اسامی قریب هفتصد کس از شعرای عصر اول و روزگار نخست سلطنت صفویه را با نمودار آثار آنان ضبط داشته و کسانی که در قرون اواخر تذکره نوشته اند از قبیل علیقلیخان واله داغستانی مؤلف ریاض الشعراء و آذر بیکدای مؤلف آتشکده و رضا قلیخان هدایت مؤلف مجمع الفصحاء ازین کتاب اقتباس و استفاده بسیار کرده اند.

تحفه سامی - بسیار کمیابست و در طهران جز دو یا سه نسخه بیشتر یافت نمیشود و نفیس تر و بهترین آن نسخ نسخه ایست که در کتابخانه نسخه خاندان فضل و ادب آقای نجم آبادی مستشار عالی تمیز عدلیه موجود و اینک دو سه ماهست که در دسترس ما بوده و شالوده طبع این کتاب (تحفه سامی) همان نسخه گرانبهاست. یکی یا دو نسخه دیگر که در طهران یافت میشود از دسترس و استفاده دور و بهمین سبب ما نتوانستیم برای مقابله و تصحیح نسخه دیگری در دست داشته باشیم و شاید بهمین علت باره اشتباهات و سقط و تحریفها در این نسخه وجود داشته باشد.

صحیفه پنجم - از شش صحیفه تحفه سامی در سال پیشینه ۱۳۵۴ هجری قمری بمساعی جمیله فاضل مقدم و دانشمند همام مولوی اقبال حسین ایم - ای - بی - ال در دارالفنون پتته هندوستان بطرزی مرغوب طبع و منتشر شد و یک نسخه آن بداره ارمغان ارسال

گردید و در تصحیح صحیفه پنجم کمک بزرگی بها کرد چنانکه تصور میرود در صحیفه پنجم از کتاب مادبگر هیچگونه غلط و اشتباهی وجود نداشته باشد .

در هندوستان چنانچه مولوی اقبال حسین مینگاردر پیش از دو نسخه معتبر ازین کتاب موجود است که یکی در سنه ۹۶۸ یعنی شانزده سال قبل از وفات مؤلف و دیگری در سنه ۹۷۱ یعنی سیزده سال قبل از وفات مؤلف نوشته شده و این دو نسخه قدیمی ترین نسخه است که در عالم وجود دارد و هر دو در کتابخانه شرقی عمومی در پتنه محفوظ و نسخه که مولوی بطبع رسانیده مأخذ و منشأش این دو نسخه گرانبهاست .

نسخه کتابخانه فاضل محترم آقای نجم آبادی تاریخ ندارد ولی بسیار قدیمی است و ازین دو نسخه شاید چندان عقب نباشد .

تحفه سامی - مطابق نگارش مولوی اقبال حسین و تحقیق و احتمال پروفیسور برون و دکتر ریو در سال ۹۵۷ اتمام تألیف یافته است .

سام میرزا - فرزند بلافضل شاه اسمعیل صفوی سر سلسله سلاطین صفویه است و با شاهزاده القاس میرزا از يك مادر بوده اند فرزندانشاه اسمعیل همه ذوق شعر و شاعری داشته و مخصوصا شاه طهماسب فرزند مهین وی که یکی از بزرگان و شجاعان سلاطین صفویه بشمار است از همه در شاعری بالاتر است بلکه میتوان

گفت در عصر خویش هیچ شاعری همسنگ وی نبوده، تذکره مختصری نیز تألیف کرده و این رباعی شاهد مدعاست.

یکچند بی زمره سوده شدیم یکچند بیاقوت تر آلوده شدیم
آلودگی بود بهر رنگ که بود شستیم به آب توبه و اسوده شدیم

سام میرزا - در دوره زندگانی خود همواره گرفتار کشمکش سیاست و اسیر زندان هرج و مرج و انقلاب و بغاوت بوده و با همه گرفتاری در مواقع فراغت شعر و شاعری و تألیف این تذکره (تحفه سامی) می برداشته است.

سام میرزا - مطابق نگارش مؤلف حبیب السیر در روز ۳ شنبه بیست و یکم شعبان سنه ۹۲۳ قمری متولد گردیده و در سال ۹۶۹ هجری قمری در عهد شاه طهماسب برادر مہین خود علم بغاوت برافراشته و در نتیجه دستگیر و در یکی از قلاع حبس گردیده و در روزگار شاه اسمعیل ثانی هنگامیکه این پادشاه بقتل تمام شاهزادگان و برادران و اعمام خود کمر بست در سنه ۹۸۳ با شاهزادگان دیگر صفویه کشته شده است

از دیگر شاهزادگان صفویه نشان و نامی در جهان باقی نیست ولی سام میرزا بسبب تألیف این کتاب و خدمتی که شعر و ادب کرده تاقیامت نام وی زنده جاوید است

فهرست شعراء

صفحه	اسم	صفحه	اسم
			حرف الف
۱۲	امیر قاسم		امیر عبدالکریم
۱۲	امیر عجیبی	۳۰	امیر حسین
۱۲	امیر رضائی	۳۰	امیر رامتی
۱۲	امیر فضلی	۳۱	امیر کمال‌الدین
۱۳	امیر مسیب رازی	۳۲	امیر فندرسکی
۱۳	امیر مسیب	۳۳	امیر خانزاد
۱۳	امیر -عبدالملك	۳۳	امیر عاشقی
۱۳	امیر حسین	۳۴	امیر واقفی
۱۳	امیر فالبی	۳۵	امیر رازی
۱۴	امیر شمس -ساوۀ	۳۵	امیر بینودی
۱۵	امیر قریبی	۳۶	امیر رموزی
۱۷	آقا میرک نقاش	۳۶	امیر صدرالدین
۱۹	امیر فیض‌الله حاجی	۳۶	امیر نظام‌الدین
۵۳	امان‌الله	۳۷	امیر ابوالمحمّد
۵۵	اشرف	۳۷	امیر الهی استرآبادی
۵۹	امیر فلامرز	۳۷	امیر رضائی
۷۵	ایوب ابوالبرکة	۳۷	امیر اصیلی
۸۱	انیس	۳۸	امیر زنده دل
۸۲	ابراهیم تبریزی	۳۸	امیر هاشم بخارائی
۸۲	ابراهیم استرآبادی	۳۸	امیر حسن عبدل
۸۲	اسمعیل	۳۹	امیر عین‌الفضاء
۸۳	اسفاد دوست محمد	۴۰	امیر جعفر صادق
۸۴	آشفته قصه خوران	۴۰	امیر عنایت‌الله
۹۷	اصفی	۴۱	امیر نوراالله
۱۰۱	امیدی طهرانی	۴۱	امیر سید
۱۰۳	اعلی شیرازی	۴۱	امیر هدایت‌الله
۱۰۷	اعلی خراسانی	۴۲	امیر شاه‌پیر
۱۱۱	الف ابدال	۴۲	

صفحه	اسم	صفحه	اسم
	حرف باء	۱۱۷	آگهی خراسانی
۹	بهرام میرزا	۱۱۹	ابدال اصفهانی
۱۲	بدیع الزمان میرزا	۱۲۶	افضل نامی
۱۵	بابر پادشاه	۱۳۲	آدانی
۶۲	بهرام بیگ	۱۳۳	آگهی یزدی
۹۸	بنائی	۱۳۵	انوار همدانی
۱۰۳	بابا فغانی	۱۳۵	ادهم کاشانی
۱۱۰	بابا نصیبی	۱۳۸	انصاری قوی
۱۳۰	بابا صافی	۱۴۳	آیتی اصفهانی
۱۳۲	بیاضی	۱۴۸	ادائی بخارانی
۱۳۵	بدیهی همدانی	۱۵۴	آزاد یزدی
۱۴۷	بیکسی استرابادی	۱۵۴	احمدی شیرازی
۱۴۷	بیکسی شوشتری	۱۵۶	احمد کافی
۱۴۹	بزمی قزوینی	۱۶۲	افضل سارانی
۱۵۷	بیانی استرابادی	۱۶۴	آسی
۱۶۸	بهاری اصفهانی	۱۶۹	احمد فکری
۱۷۲	بیانی جوینی	۱۷۰	آگهی تبریزی
۱۸۶	بوداق بیگ	۱۷۴	آشی
	حرف پ	۱۷۷	احمد طهرانی
۱۳۶	پرتوی شیرازی	۱۷۷	ادهم رازی
۱۳۷	پناهی	۱۷۹	امیر علیشیر
۱۷۱	پاکی غلام	۱۸۱	امیر شیخ نظام الدین
	حرف تاء	۱۸۲	آمی جغتائی
۱۶۸	ترزبقی	۱۸۳	امیر حسین طفیلی
۱۸۹	ترزبقی اردبیلی	۱۸۵	امیر مقبول
	حرف جیم	۱۸۶	اقه قلی
۴۸	جلال الدین دوانی	۱۹۰	استاد قاسم مرانی
۵۲	جلال الدین طیب		
۵۶	جلال الدین تبریزی		

صفحه	اسم	صفحه	اسم
۱۵۳	حرفی اصفهانی	۵۷	جمال‌الدین امیر بیک
.	حرفی نیاوندی	۶۲	جمشید بیک
۱۵۴	حبی نیشابوری	۸۵	جامی
۱۵۷	حطیبی	۱۳۹	جانسی
۱۶۲	حفظی طهرانی	۱۴۱	جفائی استرآبادی
۱۶۳	حقی	۱۴۴	جنونی عمدانی
۱۷۲	حیرانی قزوینی	۱۵۰	جدیدی قزوینی
۱۷۷	حسین رازی	.	جنونی گیلانی
.	حاتم	.	جنی اصفهانی
۱۷۸	حمدافه	۱۵۵	جمالی کاشانی
۱۸۳	حسینقلی میرزا	۱۵۷	جمالی کرمان فروش
۱۸۷	حاجی آقا	۱۶۲	جانی طهرانی
۱۸۹	حسین شیرازی	۱۶۷	جارویی مروی
.	حاجی روشنی	۱۷۴	جنر قزوینی
	حرف خاء		حرف حاء
۳۰	خلیفه امدافه	۵۴	حکیم خیاباز
۵۷	خواجه غیاث‌الدین	۶۹	حافظ علی
.	خواجه درویش غیاث	۸۲	حافظ بابا جان
۵۸	خواجه درویش	۸۳	حافظ مجلسی
۶۱	خواجه شیخ محمد	۸۴	حافظ چرکین
.	خواجه ملک	۱۰۵	حیرتی
.	خواجه مرشد	۱۱۲	حیرانی
.	خواجه میرزا	۱۱۴	سورر کالیجه پر
.	خواجه حبیب‌افه	۱۲۲	حسامی قراکولی
.	خواجه ظل	۱۲۸	حیرتی قزوینی
۶۷	خواجه امیر مورخ	۱۳۱	حیرانی
.	خواجه عبادافه	۱۳۳	حسینی کاشانی
۶۸	خرامانی خان	۱۳۵	جانی
۷۵	خسرو شاه	۱۳۸	حرزی
۷۶	خواجه تاج‌الدین	۱۴۲	حاصلی تبریزی
.	خواجه لهراسب	.	حقیری تبریزی
		۱۴۷	حاضری سمنانی

صفحه	اسم	صفحه	اسم
	حرف ذال	۷۷	خلیفه سدید گیلانی
۱۳۵	ذهنی نقاش	۷۸	خلیفه میرک
۱۷۱	ذهنی تبریزی	۰	خواجه سمنانی
۱۷۴	ذاتی کبانی	۱۰۵	خواجه مسعود
	حرف راء	۱۴۲	خرامی تبریزی
۱۱۰	ریاضی زاوه	۱۴۴	خیری تبریزی
۱۲۹	رازی شوشتری	۱۴۶	خانمی تبریزی
۱۳۷	رضائی	۱۵۲	خضری استرابادی
۱۴۴	رسمی سمرقندی	۱۵۸	خلقی طهرانی
۱۴۶	رسوائی همدانی	۱۶۳	خموشی
۱۴۸	رمزی همدانی	۱۶۴	خزانی قمی
۱۵۱	روحی سمرقندی	۱۶۸	خالصی تبریزی
«	رندی بغدادی	۱۷۳	خاوری تونی
۱۵۳	روحی ساوجی	۱۷۶	خواجه ابوالقاسم
۱۶۲	رحیمی طهرانی	۱۷۸	خواجه محمد خضر شاه
۱۶۳	روحی	۱۷۹	خواجه فخرالدین احمد
۱۶۴	رازی سبزواری	۱۸۵	خیالی
۱۶۶	رهائی	۱۹۰	خواجه شاه ولی
۱۷۰	رحمی	۰	خواجه خورد بیلدار
۱۷۱	رضائی گنک		حرف دال
۱۷۸	رمضان فغانی	۸۳	درست محمد گوشوان
	حرف زاء	۱۰۷	درویش دهکی
۸۳	زین العابدین	۱۱۶	دوست محمد حالی
۱۲۷	زلالی هروی	۱۲۰	درویش
۱۴۵	زلالی تبریزی	۱۴۱	دایمی
۱۴۹	زینی لاهیجانی	۱۵۰	دایمی سبزواری
۱۵۴	زینی سیاه	۱۵۹	دعائی مشهدی
۱۷۰	زلالی لاری	۱۶۲	دهقانی

صفحة	اسم	صفحة	اسم
	حرف شین		حرف سین
۶	شاه اسمعیل صفوی	۱۰	سلطان محمد میرزا
۱۴	شاه غریب میرزا	۰	سلطان حسن
۱۹	شیک خان	۱۱	سلطان حسین میرزا
۲۰	شاه عادل	۱۹	سلطان سلیم
۲۴	شاه صفی	۰	سلطان سلیمان
۲۹	شاه طاهر	۲۳	سید محمد یوسف
۳۴	شاه قاسم بدلا	۳۳	سید حسین قاضی
۵۲	شرف الدین علی باقی	۳۵	سید سایل
۵۳	شیخ ذوالنون	۴۰	سید یعقوب
۵۵	شاه قلی	۴۲	سید علیشاه
۵۷	شاهمیر دیلمی	۰	سید حسین واعظ
۵۸	شاه عنایت الله	۴۵	سید باقر
۵۹	شاه صدر	۰	سید علی کمونه
۶۲	شاه قاضی	۵۰	سلطان محمد
۶۲	شاه عنایت الله	۶۹	سلطانعلی مشهدی
۶۴	شیخ کمال	۸۲	سلطان محمد
۶۷	شیخ زاده لاهیجی	۱۲۲	سائل
۷۲	شیخ نجم	۱۴۸	سیمائی
۷۶	شمس الدین محمد	۱۴۳	سلامی اصفهانی
۷۹	شیخ محمد	۱۴۷	سائلی هراتی
۷۹	شیخ جمال الدین	۱۵۱	ساغری کاشانی
۸۱	شاه محمود	۱۵۲	سلیمی فیروز کوهی
۱۰۶	شهیدی	۱۵۸	سرودی خونساری
۱۰۹	شوقی بزدی	۱۶۳	سایلی طهرانی
۱۱۸	شاه حسین کامی	۱۶۵	سجودی
۱۲۱	شاه حسین ساقی	۱۶۸	سبفی ساوه
		۱۷۶	سلطان محمد سبزواری
		۱۸۷	سوسنی
		۱۸۸

صفحه	اسم	صفحه	اسم
۱۷۱	صفائی تبریزی	۱۲۱	شریف
۱۷۶	صفائی قلندر	۱۲۷	شهاب معمانی
۱۷۶	صابر	۱۲۲	شیخ رباعی
	حرف ضاد	۱۲۶	شیخ شهاب‌الدین
۱۹۱	ضیائی اردوبادی	۱۲۸	شریف محمد
۱۲۴	ضمیری اصفهانی	۱۴۹	شریف محمد طهرانی
۱۲۴	ضمیری همدانی	۱۵۲	شهی شیرازی
۱۶۵	ضیائی بخارانی	۱۵۵	شیخی کرمانی
	حرف طاء	۱۵۷	شاپور کاشانی
۵۵	طالب گیلانی	۱۶۰	شوقی کاشی
۱۳۹	طفیلی	۱۶۵	شوخ بزدی
۱۴۱	طایری رازی	۱۶۶	شرطی قزوینی
۱۴۵	طایری مشهدی	۱۷۱	شمسی شروانی
۱۸۶	طفیلی ابدال	۱۷۲	شوقی خورشانی
	حرف ظاء	۱۷۳	شعلبی مشهدی
۱۷۰	ظریفی تبریزی	۱۷۵	شکیبی تبریزی
	حرف عین	۱۷۸	شوقی شیرازی
۱۷	عسگری میرزا	۱۸۶	شیخ علاء الدوله
۲۰	عبید خان		شیخ جمال‌الدین بروجردی
۵۳	عزیز جلی		شوقی
۵۴	عبدالعلی نونی		حرف صاد
۵۹	عبدی بیک	۵۴	صنعت‌الله
۶۳	عبدالله بیانی	۸۲	صدر خیابان
۶۹	علی خراس	۱۳۱	صوفی اردستانی
۸۱	عبدی	۱۴۰	صبری
۸۱	عبدالکریم پادشاه	۱۴۱	صبروحی شیرازی
۱۱۸	علی فیضی	۱۴۳	صبرفی کور
۱۲۹	عزیز بیاع	۱۵۸	صفائی خراسانی
۱۳۶	عبدالله شهابی	۱۶۳	صحرائی

صفحه	اسم	صفحه	اسم
۱۵۷	غیاث فصیحی	۱۳۹	عاشقی
۱۶۱	غیاث قافیه	۱۴۲	عشقی تبریزی
•	غبنائی تونی	۱۴۲	عزیزی قزوینی
۱۶۲	غفوری	۱۴۴	عشقی همدانی
۱۶۹	غریبی استرابادی	۱۴۶	عشقی شیرازی
۱۷۰	غیبی شیرازی	۱۴۸	عشقی همدانی
۱۷۲	غزالی هروی	۱۴۹	عبدی گیلانی
۱۷۴	غواصی خراسانی	۱۵۰	عشقی درگزینی
	حرف فاء	۱۵۲	عشرتی قلندر
۱۳	فریدون حسین میرزا	۱۵۴	عهدی قزوینی
۶۸	فخرالدین علی	۱۵۵	علی حالی
۶۹	فقیه	۱۵۶	عشقی کاشی
۷۸	فضلی	۱۵۸	عارفی
۱۳۶	فضولی	۱۶۲	عشقی طهرانی
۱۳۷	فانی تبریزی	۱۶۳	عبدی
۱۴۰	فتونی	۱۴۶	عطائی سبزواری
۱۴۲	فردی	۱۶۵	عاکفی سمرقندی
•	فصیحی تبریزی	۱۶۷	عرفی
۱۴۳	فقیری	۱۷۳	عارفی قزوینی
۱۴۸	فقیری همدانی	۱۷۵	علایک مشگی
•	فتحی تبریزی	۱۷۶	علی استرابادی
۱۴۹	فتاحی قزوینی	•	عبدی نیشابوری
۱۵۲	فنائی اصفهانی	۱۷۷	عنایت
۱۵۳	فردی شیرازی	•	عزالدین رازی
۱۵۴	فتاحی کور		حرف غین
۱۵۹	فاضل طبسی	۷۶	غیاث الدین محمد
۱۶۰	فیضی یزدی	۱۳۹	غزالی
۱۶۵	فروغی شیرازی	۱۴۳	غزالی ابهری
۱۶۹	فکری استرابادی	۱۴۷	غیرتی سمنانی

صفحه	اسم	صفحه	اسم
۱۳۸	قدیمی نقاش	۱۶۹	فخر قزوینی
۱۳۹	قوسی تبریزی	۰	فدائی تبریزی
۱۴۹	قانع قزوینی	۱۷۱	فنائی مشهدی
۱۵۱	قبولی یزدی	۱۷۳	فهمی قزوینی
۱۶۱	قطبی جنابدی		
۱۶۱	قطبی تونی		
۱۶۸	قراضی قزوینی	۲۹	قاضی روح الله
۱۶۹	قاضی نعمت	۳۰	قاضی محمود
۱۷۲	قانع	۳۰	قاضی اختیار
۱۷۸	قاسم طهرانی	۳۲	قاضی محمد
۱۷۸	قبر رازی	۳۲	قاضی عطاء الله
۱۸۸	قاسم مرهوز	۴۰	قاضی مسعود
		۴۸	قاضی میر حسین
	حرف کاف	۵۱	قاضی شمس الدین معلم
۳۱	کمال اسمعیل	۵۳	قاضی عبدالخالق
۵۲	کمال الدین حسن	۷۰	قاضی میرک
۱۳۶	کرکی	۷۰	قاضی لاغر بیستانی
۱۵۱	کلیمی گیلانی	۷۲	قاضی میرک
۱۵۱	کشوری اردوباری	۷۳	قاضی صفی الدین
۱۵۱	کعلی شیرازی	۷۳	قاضی نور الله
۱۵۸	کلای خانی	۷۳	قاضی محمد
۱۸۹	کلیمی تبریزی	۷۴	قاضی احمد
	حرف گاف	۷۶	قاضی سلام الله
۱۱۲	گلخنی	۷۷	قرشی
۱۳۳	گلشنی کاشانی	۷۷	قاضی شهاب الدین
۱۴۲	گلشنی شبتری	۷۷	قاضی یحیی
۱۵۷	گلشنی شیرازی	۸۰	قاضی سنجانی
۱۶۶	گرامی بغدادی	۸۴	قاسم قصه خوان
	حرف لام	۱۰۷	قاضی علانی
۱۰۴	لانی	۱۳۵	قابلی

صفحہ	اسم	صفحہ	اسم
۳۸	میر ہادی	۱۸۹	لونڈی
۳۸	میر نوربخشی		حرف میم
۳۹	میر عبدالصمد	۱۴	محمد مؤمن میرزا
۳۹	میر مرتضیٰ زرگر	۲۱	میرزا شاہ حسین
۳۹	میر عبدل شحہ	۲۱	میر عبدالباقی
۳۹	میر مظفر طیب	۲۲	میر قوام الدین حسین
۳۹	میر عزیز قلندر	۲۲	میر معزالدین محمد
۴۰	میر عبد اللہ	۲۳	میر تقی الدین محمد
۴۰	میر عبد اللہ	۲۴	میرزا شرف
۴۰	میر عبدالصمد	۲۴	میر قدسی
۴۱	میر مطلبی	۲۵	میر ہادی
۴۱	میر محمد عوامل	۲۵	میر حاج
۴۲	میر شاہکی	۲۶	میرزا قاسم
۴۲	میر ابراہیم حسین	۲۸	میرزا اسود
۴۳	میر ناطقی	۲۹	میر سید شریف
۴۴	میر قاسم	۳۰	میر عبدالباقی
۴۴	میر حیدر	۳۱	میر علی عرب
۴۴	میر موسیٰ	۳۲	میر عزیز اللہ
۴۴	میر قریش	۳۳	میرک خورد
۴۴	میر سعد الحق	۳۴	میر عبدالباقی
۴۵	میر علی ککبا	۳۵	میر علی اکبر
۴۵	میر فدائی	۳۵	میر نصیح الدین
۴۵	میر شکری	۳۶	میر سبزی
۴۵	میر معزالدین	۳۶	میر ابوالفتح
۴۶	میر ابوالمکارم	۳۷	میر فخر الدین محمد
۴۶	میر افضل خواب بین	۳۸	میر مرسل
۴۶	میر عبدالکریم	۳۸	میر شمس الدین
		۳۸	میر قریش

صفحه	اسم	صفحه	اسم
۸۴	محب علی نائی	۴۶	میر ابراهیم قانونی
۸۴	مجنون چپ نویس	۴۷	میر طریفی
۱۱۳	مانی شیرازی	۴۷	میر علی کاتب
۱۱۴	مانی مشهدی	۴۸	میر رضائی
۱۲۳	موالی تونی	۴۸	میر عبدالله
۱۲۴	مهدی استرابادی	۴۸	میر صنمی
۱۲۹	مکتبی شیرازی	۴۹	ملاحسین اردبیلی
۱۳۰	محبی لاری ✓	۴۹	محمد جرجانی
۱۳۱	مجوی	۵۰	ملا ولی
۱۳۱	میرم سیاه	۵۰	میرزا شاه حسین
۱۳۱	میر شاهکی	۵۶	محمود خان دیلمی
۱۳۱	مقصود عبدل	۵۸	میرزا احمد
۱۳۲	محمد امین	۶۰	مقصود بیک
۱۳۷	مراد	۶۱	محمود بیک
۱۳۸	مشقی	۶۱	میر هاشم
۱۴۱	معانی بزدی	۶۲	میر عبدالله
۱۴۲	مانی شیرازی	۶۲	میر ذوقی
۱۴۴	عیلی تبریزی	۶۳	میر کریم
۱۴۵	محزونی همدانی	۶۳	میر عبدالباقی
۱۴۵	محتی اردبیلی	۶۶	محمد مؤمن
۱۴۶	مقصود کاشی	۶۸	ملك قاسم
۱۴۸	میرزائی	۷۰	میرزا کانی
۱۴۹	معروف تبریزی	۷۱	میرزا کافی
۱۴۹	مدامی اصفهانی	۷۴	محمد شرقی
۱۵۲	مخفی رشتی	۷۵	میر محمود گیلانی
۱۵۳	مستوفی نیشابوری	۷۸	محمد
۱۵۴	مؤمنی استرابادی	۷۸	محمد حسین
		۷۹	ملك خانی

صفحه	اسم	صفحه	اسم
۱۴۳	نازکی تبریزی	۱۵۵	محمود کاشی
۱۴۴	نگاهی نیشابوری	۱۵۶	ملاجان کاشی
•	نیستی تبریزی	۱۵۸	محمود صبوری
۱۴۵	نباتی تبریزی	۱۶۰	معزی لنگ
۱۴۶	نظقی شیرازی	۱۶۴	مثالی کاشی
۱۵۰	نداتی یزدی	•	محبی شیرازی
۱۵۲	نشاطی شوشتری	۱۶۵	مجلد خراسانی
۱۵۳	نازکی استرابادی	•	منظری
۱۵۵	نادری	۱۶۸	محبی بروجردی
۱۵۷	نعمتی کاشی	•	مقصدی ساوه
۱۵۸	نازکی همدانی	•	مستی
۱۶۱	نگاهی هراتی	۱۶۹	مکارم قزوینی
۱۶۳	نیستی	۱۷۰	معروف رمال
۱۶۴	نوری نیشابوری	۱۷۱	محمود مشکس
۱۶۶	نظیری قمی	۱۷۶	میرزا احمد
۱۷۴	نیازی	۱۸۲	میر محمد صالح
۱۷۸	نعمت	۱۹۰	محتشم کاشی
•	نظام	•	محمود زمگیر
۱۸۴	نارنجی سلطان		
	حرف واو		حرف نون
۱۲۳	وحیدی قمی	۶۳	نفیس
۲۴۱	• داعی	۷۷	نورالله
	وفائی	۱۰۰	نظام معمانی
۱۴۳	وصلی تبریزی	۱۱۵	نرگسی
۱۴۶	وفائی کور	۱۲۲	نیکو
۲۴۸	وفائی سمنانی	۱۲۳	نشاری تونی
۲۵۱	وفائی اردبیلی	۱۳۹	نوری تبریزی
			نامی تبریزی

صفحه	اسم	صفحه	اسم
۱۴۵	همدی همدانی	۱۵۳	وصفی هراتی
۱۶۴	همدی رازی	۱۵۴	واهبی استرابادی
۱۶۵	همدی سمرقندی	۱۶۰	وفائی
۱۶۶	هجری اندجانی	۱۶۲	وصلی
۱۷۲	هجری کاشانی	۱۶۳	وفائی رازی
۱۷۷	هدایت‌الله رازی	۱۶۶	واصلی بخارانی
۱۸۵	همائی	.	واصلی تبریزی
	حرف یاء		حرف هاء
۱۷	یعقوب‌بن حسن بیک	۱۶	همایون پادشاه
۱۳۷	یارعلی طهرانی	۹۰	هلالی
۱۴۴	یاری	۹۴	هانفی
۱۶۰	یوسفی طیب	۱۲۵	هوشی شیرازی
۱۷۳	یمینی	۱۲۷	هلاکی همدانی
۱۷۵	یقینی شروانی	۱۲۸	هلالی قزوینی
۱۸۳	یعقوب میرزا	۱۲۸	هانفی قزوینی
۱۸۴	یوسف بیک		
۱۸۶	یوسف بیک توشمال		

این دو اسم از اول حرف راء افتاده

۵۱

رکن‌الدین

۵۸

رجائی

تذکرہ

تحفہ سامی

تذکره

☆ (تحفه سامی) ☆

(بنام یزدان پاک)

بصفات الجلال والاکرام

صدر مرثیه نور کهن است

دره التاج نام او شاید

بعد الحمد قبل کل کلام

حمد او تاج تارک سخن است

خامه چون تاج نامہ آراپد

سرغزل دیوان فصاحت بیان قافیہ سنجان معجز طراز ، وحسن مطلع طوطی صفتان

شیرین کلام بحر پرداز ، نظم ناظمی است کہ نظام سلسله مکونات ازاشعه قدرت

او قصیده ایست مطلعش منور بکواکب ثواقب نور محمدی که **اول ما خلق الله**

نوری اشارت بیست بدان . ومقطعش مزین بخلخال نبوت احمدی که **ولکن رسول الله**

وخاتم النبیین کتابتی است از آن . نعت کمال جلالش شمه از دیوان بهارستان

فصحای بلاغت انتماء ومنقبت آل کثیر النوالش سر لوحه تذکره شعرای فصاحت لو است

اعنی آن صدر نشینان مجالس انقاس قدس وشمایم گلزار نفعات انس

شعر

لیس کلامی یفی بنعت کماله **صل الہی علی النبی وآله**

صل اللهم وبارک علیہ وارزقنا درجۃ الشفاعة یوم المیزان وسلم علی عترتہ واصحابہ

خصوصاً المرتضی والزهراء و سبطہ ائمة الذین ہم بصفحات السعادة صدر الکتاب و

لصحایف الهدایة فصل الخطاب

اما بعد - چنین گوید فقیر حقیر مستقام ابن اسماعیل الحسینی سام ختم الله لنا

بالحسنی برضمیر آفتاب انجلی مهرورزان الهام وخاطر عاطر بحر پردازان مدجزنمای

پوشیده نماید که عروج دل و جان بر غرفات رفیع البیان قصر وصول ، و صعود روح و روان بر شرفات بلند ایوان مستند قبول ، متصور نیست مگر جبل المقین عشق و عروة الوثقی لا انفصام لها زیرا که نفیس ترین جوهر هدیه که از پیشگاه شاهنشاه عالم بالا برمنزویان خلوتخانه و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا نازل میشود لؤلؤ آبدار مهر و محبت و یاقوت شفاف عشق و مودت است **ان احبکم الی الله یالفون و تالفون**

بیت

در جهان نیست متاعی که ندارد بدلی ا
خاصه عشق بود منقبت بی بدلی
آری عشق است که تار و پودش در کار گاه **یحبههم و یحبونه** اندوخته و طراز تعلق
از جانین در کارخانه **ان کذتم تحبون الله فاتبعونی یحبکم الله** دوخته

بیت

دل فارغ ز درد عشق دل نیست
تن بیدرد دل جز آب و گل نیست
ز عالم روی آور در غم عشق
که باشد عالم خوش عالم عشق
غم عشق از دل من کم مبادا
دل بیعشق در عالم مبادا
سخن که یکی از خصایص انسانیت مشر او و شعر که یکی از محسنات
روحانیت منتج او

بیت

سخن دیباچه دیوان عشقت
سخن نوباوه بستان عشقت
خرید را کاروباری جز سخن نیست
جهانرا یادگاری جز سخن نیست
شعر - گوهر گرانمایه گان و جود است بلکه اختر بلند پایه سپهر مقصود - **شعرا**
برگزیده درگاه الهی اند و ذات ایشان مبط انوار نامتاهی

شعر

پیش و پس بست صف کبریا
پس شعرا آمد و پیش انبیا
اگرچه فرقه از ایشان بنا بر مدح و ذم لثیمان خلعت شقاوت در جامه خانه **والشعراء**
یتبعهم الغاوان پوشیده اند و دریادیه ضلالت **الم تر انهم فی کل وادیهمون**
سرداده اما دیگران بجهت سعادت حسن معرفت از افداح **راح الالذین آمنو و عملوا**
الصالحات ساغر ناب حقیقت نوشیده و چشانیده و ابواب تلقین ذکر **واذکر و الله کثیرا**

بر روی آمال و امانی ایشان گشاده است هر چند که حضرت ناظم سلسله نبوت و معدل میزان رسالت را بموجب مؤدای **وما علمناه الشعر وما ينبغي له** لزشعر منع نموده اند و ذات قدسی صفاتش را از آلابش **وما هو بشاعر او مجنون** معرا ساخته اند و این خود دلیلی واضح و برهانی لایح است بر ارتقای مراتب شعر تا کوتاه نظران اندک بین نظم و ترتیب قرآنی متهم بسلیقه شعر ندارند و معاندان جاده یقین متصدی آنرا از زمره شعرا نشمارند و این کمالیت ظاهر و اعتلائیست باهر

بیت

پایه شعر بین که چون زنبی نفی نعت پیمبری کردند
بهر تکذیب صحت قرآن نسبت او بشاعری کردند

بیسخن سخنوران روزگار ما گوی لطافت بچوگان مسابقت از شعرای سلف ر بوده اند و بصیقل نزاکت و دقت و ذکا کدورت از خاطر اهل ادراک زدوده اند هر یک در اقلیم سخنوری خسرو و سعدی و انوری و در کشور دانائی فردوسی و سنائی و اما چون در رسائلی که خصوصیات حالات و صادرات اقوال و مقامات این زمره کثیر الصفات مرقوم رقم بلاغت شیم گشته چون بهارستان و مجالس النفایس و تذکره الشعرا ازین طبقه اثری نیست و از این طایفه خبری نه چرا که این طایفه جلیل القدر بعد از تدوین آنها از بدو طالع آفتاب عالمتاب تدوین این دولت عظمی الی یومنا هذا لوای فصاحت افراشته و تدوین بلاغت آیین در میان همگان گذاشته اند لاجرم چون ملاحظه نمود که بمرور ایام و نمادی شهر و اعرام ذکر این نادره گویان از صفحه زمان سترده میگردد مهما امکن تبع احوال و خلاصه اشعار هر یک نموده بر صفحه تحریر نگاشت و این صحیفه گرامی که موسومست **به تحفه سامی** مشتمل است بر یک تنبیه و هفت صحیفه و یک خاتمه امید که بدینوسیله بر خاطر فیض مآثر ارباب فهم و ذکا و ضمیر منیر اصحاب مهر و وفا گذشته پرده غفر و اغماض بر سهو و نقصان این صحابف پوشیده و بقدر الوسع در اصلاح معایب آن بکشند **ومنه الاعانة والتوفیق**

تنبیه

برای فضیلت آرای سالکان مسالك انصاف و منصفان دور از تمصب و اعتساف مخفی
 نمائاد که در خلال احوال این طایفه خیرمآل اگر بذکر بعضی که مخالفی از ایشان
 ظاهر شده باشد پردازد نه پایه دین را از آن اختلاست و نه چهره دولت را از آن گرد
 ملالی چه در قرآن مجید بصفه **ولارطب ولا یابس الافی کتاب مبین قل هو الله احد**
باتبت ید ابی لهب قرینست و سیر انبیای کرام **علیهم التحیة والسلام** باذکر نصیان و
 طغیان **جبابره و فراعنه** منمشین بل غرض از ایراد این جماعت تاریخست نه شمول عاطفت
 و عنایت، محبوب نمائند که در این نسخه هر جا که صاحبقران مغفور مذکور میگردد مراد
 حضرت شاه ماضی است، و هر جا که صاحبقران مرقوم میشود غرض شاه عالم پناه گیتی
 ستان است که بمقتضای **ذکری السلطان تنزل الامان** تذکره ایشان مستلزم آمال
 و امانیست و سرمایه سعادت دو جهانی

بیت

دلش بنور یقین از دریچه امروز همه مشاهد احوال عالم فرداست
 اعنی سلطان سلاطین پناه و شهنشاه ملایک سپاه فلک رتبت سپهر اقتدار گردون
 سبط خورشید آثار

(بیت)

آن فلک رتبه که ناطق را نیست در وصف او توانائی
 آنکه منشور دولت او را ماه نو کرده است طفرائی
 ثمره شجره اصلها ثابت و فرعها فی السماء و مصدر اسم همایونش کلام
 معجز نظام طه ما انزلنا
 در جهانی و از جهان بیشی همچو معنی که در بیان باشد
 زیر این نه رواق مینا قام چون شود گفته این همایون نام
 آید از هر یکی بجای صدا **خلد الله ملهک ابد**
 آن به که بر دعای تو ختم سخن **صکنم**

نه دعائی که شاعرانه بود
بلدعائی قرین صدق و صفا
هم از او جاه و حشمت دنیا
سرهم بر زمین عجز و نیاز
شرع را پیشوای حکمش دار
عدل را دردش چنان جاکن
تا بود در جهان بقا امکان
دولتش را در این سرای امید
بی تکلف ورد دولت خواهان این دعاست

بیت

می گویم که این و آتش ده گویم آتش بده که آتش به

هفت صحیفه

صحیفه اول - در ذکر شمه از حال فرخنده مآل حضرت صاحبقران مغفور و اولاد
واحفاد سلاطین معاصر ایشان

صحیفه دوم - در ذکر مادات عظام و علمای افادت اعلام

صحیفه سوم - در ذکر وزرای مکرم و سایر ارباب قلم

صحیفه چهارم - در ذکر اسامی حضرات واجب‌التعظیم که اگر چه شاعر نبوده اند
اما گام زبان بگفتن شعر می‌گشوده‌اند

صحیفه پنجم - در ذکر شاعران مقرر و فصحای بلاغت گستر

صحیفه ششم - در ذکر طبقه ترکان و شعرای مقرر ایشان

صحیفه هفتم - در ذکر سایر عوام و اختتام کلام

صحیفه اول در ذکر سلاطین

حضرت شاه اسمعیل صفوی

قال رب الجلیل فی التزیل

واذکروا فی الکتاب اسمعیل

بکدام زبان شرح همه از جلالت قدر عظیم الشان او توان گفت و در کدام منقبت در مدح و منقبت آن سلطان گیتی ستان بهرام احتشام گردون غلام توان سفت . صحیفه رخسار آفتاب جهانتاب را چه احتیاج بآرایش و یرتو عذار کثیر انوار ماه منیر را چه حاجت بتعریف و ستایش (بماهتاب چه حاجت شب تجلی را) نسب والا گهرش امام هفتم بدین ترتیب است **شاه اسمعیل** بن سلطان حیدر بن سلطان جنید بن شیخ ابراهیم بن خواجه علی بن شیخ صدرالدین بن شیخ صفی الدین بن سید جبرئیل بن سید صالح بن سید قطب الدین بن سید صالح الدین رشیدی بن سید محمد بن سید عوض الخواص بن سید فیروز شاه بن سید محمد بن سید حسن بن سید محمد بن سید ابراهیم بن سید جعفر بن سید قاسم بن سید ابوالقاسم حمزه بن امام موسی الکاظم علیه الرحمة

بیت

سلطان حیدری نسب موسوی گهر
کاو هست بر سران جهان مالک الرقاب
درشهر سنه اثنین و تسعین و ثمانمانه ۸۹۲ قدم کرم از شبستان عدم بفضای دلکش
وجود نهاده یرتو قدوم سعادت لزوم جهانرا منور گردانید

بیت

ماهی ازواج شرف زاده خورشید جلال
زاده الله جمالا بجهان داده جمال
چون شرح بعضی مآثر و فتوحات اعجاز آیات آن صاحبقران سلیمان صفات از کتب
تواریخ در ایام آنحضرت نگاشته اقلام عنبر نامنشیان بلاغت انجام گشته بنا بر این . و جزئی
از وقایع کلیه ایشان در طی این مختصر رقمزد کلك بیان میگرد
القصة بمحض تأییدات نامتناهی الهی نه بدستیاری لشگری و سپاهی در چاربالش سلطنت
و رساده جهانگیری تکیه فرمودند

بیت

سریر سلطنت اکنون کند سرافرازی
که سایه بر سرش افکند خسرو غازی
آری چون جمشید و خورشید یکسواره کند جهانگیری بر قلعه فلك سیمایی جهاد و
یکدم شعله تیغ جهانسوز از مشرق باقصای مغرب رساند و در اواسط محرم سنه خمس
و تسعمانه ۹۰۵ برگیلان و لاهیجان بزم جهانگیری لوای فتح و ظفر افراشته عنان
عزیمت بجانب آذربایجان معطوف داشت و در اوایل سنه ست و تسعمانه ۹۰۶ عزم

انتقام فرح یسار (۱) حاکم شروان نموده بنیاد هستی او را برانداختند و در سنه سبع و تسعمائه ۹۰۷ در حوالی شهر تبریز برالوند بیک آق قویونلو غالب آمده خطبه و سکه با سامی اسمی ائمه هدی و بجز القاب نواب اعلی زینت یافت و در سنه ثمان و تسعمائه ۹۰۸ ب صوب الکاء علاء الدوله ذوالقدر رایات نصرت اثر نهضت نمود و در هنگام غیبت الوند بیک مذکور باز آمده چون خبر او بصاحبقران مغفور رسید از آذربایجان برسر او ایلغار به تبریز آورده او را از تیغ گذرانید و در خلال همین سال با سلطان مراد حاکم عراق و فارس جنگ نموده مظفر شدند و در سنه تسع و تسعمائه ۹۰۹ حسن کیاو مراد بیک ترکمان را از حصار آسا بیرون آورده بقتل رسانید و در سنه عشر و تسعمائه ۹۱۰ بر حاکم یزد دست یافته آن ملک و توابع بتصرف اولیای دولت درآمد و در سنه احدی عشر و تسعمائه ۹۱۱ سپاه برسر گیلان ورشت فرستاد بعد از تسخیر باج بر امیره مقرر گردانید و در شهرور سنه اثنی عشر و تسعمائه ۹۱۲ امرا بکردستان فرستاده حاکم آن ولایت را بدائره اطاعت در آوردند و در سنه ثلث عشر و تسعمائه ۹۱۳ برسر علاء الدوله ذوالقدر ایلغار فرموده او را گریزانید و ملک او مسخر شد و محروسه دیار بکر نیز بتصرف درآمد و در اربع عشر و تسعمائه ۹۱۴ بر بغداد مسئولی شده تمامی عراق عرب ضمیمه سایر ممالک گشت و در خمس عشر بار دیگر در شروان نهضت فرموده اکثر قلاع در حیز تسخیر درآمد و در سنه ست عشر و تسعمائه ۹۱۶ شیبک از بک را در مرو قهر کرده تمامی خراسان مصفا گشت و در سنه سبع عشر و تسعمائه ۹۱۷ عزم تسخیر ماوراء النهر تالب آب آمویه فرموده و بنا بر استغاثه خانان آنجا و ارسال تحف و هدایا بعراق معاودت فرمودند و در ثمان عشر و تسعمائه ۹۱۸ میرنجم ثانی را بالشکر قیامت اثر بعزم تسخیر ماوراء النهر روانه نمودند و در سنه تسع عشر بار دیگر بخراسان نهضت فرموده جماعت اوزبکیه که دست تطاول در آنجا دراز کرده بودند راندند و در عشرين و تسعمائه ۹۲۰ با سلیم پادشاه روم در چالدران مصاف دادند و در سنه احدی و عشرين تاسنه ثلثین و تسعمائه ۹۳۰ اوقات شریف را بعیش و حضور گذرانید و در سنه مذکور علم تسخیر بجانب عالم جاودانی بر افراشته و در جوار کثیر الانوار **فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر** منزل اختیار فرمودند سن مبارک ایشان

بی و هشت سال رسیده بود و در چارده سالگی بر تخت پادشاهی جلوس فرموده و خلاصه رنج مکنوناً در عرض ده سال مضر نمودند و مدت بیست و چهار سال بامر خیر سلطنت اشتغال نموده مضمون **آیه هذاشی عجاب** مشاهده عالمیان گردانید ایراد اسم همایون ایشان درینجا بنا بر آنست که باوجود آن عظمت و اعتلا و اشتغال بامور دین و دنیا گاهی بنا بریشخند خاطر دریا مقاطر متوجه طبع آزمائی میگشته اند و در دری از لجه طبع بیکران بساحل ظهور میرسانیده اند لهذا این شاه بیت که از تاج طبع سحر آفرین ملازمان آن استان ملائک آشیانست بموجب **کلام الملوك** **ملوك الکلام** دره التاج خواص و عوام بنا بر تیمن و تبرک در رشفه تحریر کشید

شعر

بی ستون ناله زارم چو شنید از جا شد کرد فریاد که فرهاد دگر پیدا شد
تخلص همایون ایشان در ترکی و فارسی خطائی است و مولانا امیدی در قصیده که در باب جنک ایشان و حضرت سلیم پادشاه گفته در مطلع ابمائی بدین معنی نموده
فضا در کار گاه **کبریائی** کشیده نقش اسیمی خطائی

بهرام میرزا شاهزاده جوان بنعت کثیرالافضال و کامکار خجسته اطوار بی نظیر و همال بوده است و اوقات فرخنده ساعاتش به نیل آمال و امائی و خلاصه حیات خجسته آمالش بالتذاذ حظوظات نفسانی مصروف بود و طبعی بغایت متصرف و در خطه خطوط خصوصاً نستعلیق انگشت نما و در معموره طراحی و شعر و معما بی قرینه و بی همتا چنانچه سلمان گفته
(**بیت**)

ریاض خط تو همچون بهشت خرم و خوش بنات شعر تو چون خیر خیرات حسان
گاهی میل بطن موسیقی نموده و قانون استعداد را بچنک گرفتگی و نوای عشاق پیوارا در پرده بزرگی نهفتی افسوس که نهال قامت طوبی مثالش در بهار زندگانی و عنفوان جوانی از شکوفه حیات بی بهره ماند و نخل بالای سدره اتصالش با وجود سیرابی از سموم هموم خشک شده و ثمره نومیدی فشاند
(**بیت**)

دریفا که نخل بهار جوانی فرو ریخت از تند باد خزان
دل یوسف عهد خونست گوئی زنا دیدن این بامین شانی
بمقر جاودانی تحویل نمود و این رباعی آبدار بر صفحه روزگار گذاشت